

«هو الحکیم»

عنوان:

تبیین روایت غیبت



دکتر باقر پورکاشانی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْيَاسَجِبِ الزَّمَانِ



『@SERATEHAGHI』

این روایتی که گفتن زمان حیرانی یا غیبت امام عصر علیه السلام، شش روز یا شش ماه یا شش سال هست، عددهای بسیار متفاوتی هست؛ فقط شش داره. مرحوم علامه‌ی مجلسی، این سری روایت‌ها رو که میاره، می‌گه این نشان‌دهنده‌ی بداء هست. یعنی متغیر هست، متعدد هست؛ زمانی که حضرت ظهور بکنن، یک زمان ثابتی نیست؛ این ممکن هست نزدیک بشه ممکن هست دور بشه؛ متفاوت ممکنه باشه. یک عددی می‌خواستن بگن یعنی می‌خواستن بگن این متغیر هست! چون معنی نداره بگن شش روز، یا شش ماه یا شش سال! این همش شش هست! خوب وقتی اینطوری باشه، شصت سال هم می‌شه! شصت باشه ششصد سال هم می‌شه! شش هزار سال هم می‌شه، شصت هزار سال هم ممکنه بشه! متغیر هست. این روایات می‌خواد بگه که زمان مشخص نشده، زمان تعیین نشده! لذا فرمودند دروغ می‌گه کسی که زمان برای ظهور امام زمان علیه السلام مشخص بکنه! الان یک نفر بیاد بگه آقا امام زمان علیه السلام سه سال و ده روز دیگه ظهور می‌کنن! ما وظیفه داریم بگیریم تو دروغ داری می‌گی! چون اصلاً تعیین نشده!

چون بداء تو این حکم هست. ممکن هست واقعاً به علم غیبی، تو لوح نوشته شده باشه سه سال دیگه ظهور می‌کنن، اما یک گنا‌هانی انجام بگیره این سه سال بشه سه سال و نیم مثلاً! یا افرادی تقریبی پیدا بکنن و به سمت امام زمان علیه السلام بیان و این سه سال بشه دو سال و نیم! ما نمی‌تونیم نظر بدیم محکم! علامه مجلسی چنین وجهی رو در نظر گرفتن.

مرحوم آقا شیخ مجتبی قزوینی، این رو قبول نداره! که به نظر من این توجیه علامه مجلسی توجیه معقولی هست البته! حالا نظر ایشان چیه بعداً می‌گم.

حضرت علی بن حسین علیه السلام فرمودند در خصوص این آیه

(انفال/۷۵):

﴿أُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ﴾ ﴿أُولُو الْأَرْحَامِ﴾
 ﴿أُولُو﴾ که می‌گن یعنی چی؟ یعنی صاحب؛ می‌گن اولوالأمر، صاحب امر. ﴿الأرحام﴾ هم جمع رحم هست؛ یعنی صاحبان قرابت نسبی. یعنی فرض کنید مثل چی اولو الأرحام؟ مثل پدر، مادر، خاله، خواهر، برادر، عمه، دایی، فرزند؛ این‌ها همه می‌شه اولو الأرحام. بعد می‌فرمایند که صاحبان، یعنی این ﴿أُولُو الْأَرْحَامِ﴾، بعضی‌ها اولویت دارن به بعضی دیگه‌ای؛ در کتاب خدا آورده.
 یعنی بالاخره وقتی نگاه می‌کنی ظاهر، مادر، اولویتش فرض کنید از خاله بالاتر هست دیگه! بعضی‌ها اولویت دارن یعنی به یک شکل نیستن.

این یک آیه. بعد حضرت زین العابدین علیه السلام این آیه رو خوندن؛

زخرف آیه ۲۸: ﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ﴾
 ﴿وَجَعَلَهَا﴾ یعنی قرار دادیم - ها - اون کلمه‌ی توحید رو؛
 یک کلمه‌ی ماندنی ﴿بَاقِيَةً﴾
 ﴿فِي عَقِبِهِ﴾ یعنی در نسلش.

این کلمه‌ی توحید رو در نسلش ما باقی قرار دادیم.
 پس دو تا آیه هست؛ یکی بعضی ارحام نسبت به بعضی دیگه اولویت
 دارن؛ در کتاب خدا آورده. یکی دیگه چیه؟ اون کلمه‌ی توحید رو
 ما ماندنی قرار دادیم در نسلش. یعنی به تعبیری نسل این‌ها موحد
 شدن، عاقبت به خیر شدن. این دو تا آیه رو حضرت خوندن. بعد
 امام زین العابدین علیه السلام فرمودند این دو تا آیه در مورد ما اهل بیت
 نازل شده. «امامت در نسل حسین بن علی بن ابیطالب است که تا
 روز قیامت و از برای قائم ما غیبت است». آیه‌ی اول چیه؟ از نسل
 پیامبر خیلی بودن؛ از نسل امیرالمؤمنین و حضرت زهرا علیها السلام
 خیلی بودن. اما بنا بوده امام حسین علیه السلام باشه، امام حسین
 علیه هم ۹ تا فرزند از این باشه. پس این‌ها انتخاب شده هستن. ﴿وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ﴾

فقط صرف قرابت یعنی نیست!

فرض قرابت بگیری، خیلی از افراد بودن پدرشون امام بوده اما در

مسیر درستی قرار نگرفتن!

مثل جعفر کذاب!

که ادعا کرد که جانشین هست مثلاً!

بعد فرمودند که: «و از برای قائم ما دو غیبت است که یکی از آن دو طولانی‌تر از دیگری است. اولی شش سال و شش ماه و شش روز است.»

این جا واو عطف آورده. «وَأَمَّا الْأُولَىٰ فِسِتَّةُ أَيَّامٍ وَ سِتَّةُ أَشْهُرٍ وَ سِتُّ سِنِينَ».

در اون حدیث، «واو» عطف نبود، «او» بود. شش روز یا شش ماه یا شش سال. اینجا حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرمودند که یکی از آن دو طولانی‌تر از دیگری هست. اولی؛ اولی یعنی چی؟ یعنی غیبت صغری؛ شش سال و شش ماه و شش روز هست. «و دومی مدتش طول خواهد کشید به حدی که بسیاری از کسانی که معتقد بودند برگردند.»

خیلی از کسانی که معتقد به امام زمان علیه السلام هستن، مرتد می‌شن!

«و ثابت نماند مگر کسی که یقین او قوی و معرفتش صحیح باشد.»
یقین می‌دونید چه جوری به دست میاد؟ یقین دو رکن داره؛ یکی معرفت هست، یکی عمل! اگه بخواین شما یقینتون به خدا مثلاً زیاد بشه، اگه شما نماز زیاد بخونی، اطاعت او رو بکنی، عبادت او رو بکنی، یقینت به خدا بیشتر می‌شه. وقتی سهل‌انگار باشی اصلاً گوش ندی،

کم کم

عمل به خدا هم شک می‌کنی!
پس فرمودند یکی معرفت، یکی یقین.

یقین هم پشتوانه‌اش هم معرفت هست، هم عمل.
 خوب حالا فرمودند کی؟ «ثابت نماند، کسی که یقین او قوی و معرفتش
 صحیح باشد». یعنی کسی بی تفاوت باشه، بالاخره ریزش داره!
 «و از عجایب امور و گفته‌های ما، سینه‌اش تنگ نشود».
 یعنی تو مطالب ما شک نکنه! مثلاً بعضی وقت‌ها معلوم نیست
 معراج!

بُراق بود رفت! چه چیزهایی! این‌ها چیه می‌گن این‌ها! شک می‌کنه!
 اونقدر یقین به فرمایش معصومین نداره!
 «و از عجایب امور و گفته‌های ما سینه‌اش تنگ نشود و تسلیم ما اهل
 بیت باشد». کسی که اینگونه باشه، ثابت قدم می‌مونه در عصر غیبت
 کبری، وگرنه ریزش پیدا می‌کنه! و در این باب سه روایت هست که
 در کتاب اِکال - کمال الدین و تمام النعمة - مرحوم شیخ صدوق، هر سه
 حدیثش رو آوردن.

حالا ببینید اینجا بالاخره مشکلات روایات باید حل بشه.
 یک روایتی بود از حضرت امیر علیه السلام، که اونجا تو اون روایت،
 به نقل شیخ صدوق، این مضمونی که الان می‌گم نبود، ولی برخی نقل
 کرده بودن این مضمون بود که غیبت حضرت، شش روز یا شش ماه
 یا شش سال است.

غیبت حضرت، شش روز یا شش ماه یا شش سال؟!
 یعنی چی این حدیث؟!

علامه مجلسی اونجا آوردن این بداء رو می خواد برسونه؛ یعنی غیبت
زمانش متغیر هست؛ و ممکنه برو بالا مثلاً ششصد سال! یا مثلاً
شش هزار سال!

نمی دونیم واقعاً! زمانش رو نمی تونیم تعیین بکنیم.
اینجا تو این روایت حضرت زین العابدین علیه السلام، همین شش سال
و شش ماه و شش روز آورده، به علاوه که اونجا می گه یا شش روز یا
شش ماه یا شش سال؛ اینجا می گه شش سال و شش ماه و شش
روز؛ و این رو نسبت به غیبت اولی می گه؛ اولی، یعنی غیبت صغری
رو داره مطرح می کنه.

مرحوم آقا شیخ مجتبی قزوینی می فرمایند: «این روایت را مجلسی
علیه رحمة، مؤید توجیه روایت گذشته که از امیرالمؤمنین علیه السلام
در غیبت شش روز و شش ماه و شش سال نقل کردیم قرار داده
و بالجمله حمل به بداء در غیبت فرموده و این توجیه مثل سایر
توجیها، بعید از صواب و حق است.»

به نظر ما این نزدیک به حق نیست.

خب چیه پس اینجا؟

می گه اینجا نسبت به غیبت صغری، اونجا نسبت به غیبت، می گه
بداء هست. رقم های مختلفی نقل کرده.

مرحوم آقا شیخ مجتبی قزوینی، این توجیه علامه مجلسی و توجیہات کسان دیگره رو قبول نمی‌کنه. خب در قبالش چه توجیهی میارن؟ ایشان می‌فرمایند: «اغلب روایات این باب، چه به تصریح و چه به اشاره، دلالت دارد بر طولانی شدن غیبت آن حضرت، به حدی که اکثر معترفین به آن حضرت، گمراه شوند؛ چنانچه در روایات گذشته دیده شد. و با تصریح روایات بیشتر از حد تواتر به اینکه ائمه علیهم‌السلام دوازده نفرند با آن مطالب و خصوصیات مذکوره، جای این توجیه و تأویل و بداء نیست، چنانچه خواهد آمد».

می‌گه ما این‌ها رو بداء نمی‌تونیم حساب بکنیم شش سال و شش ماه و شش روز رو. خب چیکار کنیم؟ روایات رو چیکار کنیم؟ می‌فرمایند:

«واضح است که این روایت شریفه با صراحت تمام، روایت گذشته را که مدت غیبت در روایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، شش روز و شش ماه و شش سال است، بیان و تفسیر می‌کند که مراد، غیبت کبری نیست».

در روایت حضرت امیر علیه‌السلام، نگفته غیبت صغری هست یا کبری؛ گفته غیبت.

می‌گه این روایت زین العابدین علیه‌السلام نشون می‌ده که پس این نسبت به غیبت صغری هست. اول این روشن بشه. بعد بداء رو علامه مجلسی توجیه کرد نسبت به غیبت کبری دیگه! پس غیبت کبری نیست، نهایتش بداء می‌شه رو غیبت صغری. حالا ببینیم واقعاً بداء هست یا خیر! «بلکه این روایت، نکته‌ی دیگری می‌فهماند که حل اشکال روایت سابق چون مدت در روایت گذشته با لفظ «او» آمده و تردید از سِتَّةِ أَيَّامٍ أَوْ سِتَّةِ أَشْهُرٍ أَوْ سِتَّةِ سِنِينَ». یا گفته؛ یا شش سال یا شش ماه روایت امام زین العابدین علیه‌السلام گفته شش سال و شش ماه و شش روز؛ و او عاطفه آورده. «و در این روایت به لفظ و او، عطف شده شش روز و شش ماه و شش سال. شاید از لحاظ عطف به و او چنین اراده شده باشد که غیبت حین ولادت، شش روز بود». یعنی شش روز کسی متوجه نشد که امام زمان علیه‌السلام به دنیا آمده. «و پس از ولادت تا انتشار خبر ولادت نسبت به بعضی از اصحاب، شش ماه طول کشید. و غیبت پس از انتشار تا حین رحلت پدر بزرگوارشان، شش سال طول کشید». یعنی می‌خواد بگه که شش سال و شش ماه و شش روز، این می‌گه شاید مراد این باشه. «و غیبت صغری که عبارت است از اول امامت تا آخر نواب اربعه، و غیبت کبری که پس از نواب تا زمان ظهور است، همان غیبت دومی است که روایت فوق اشاره به آن دارد: وَ أَمَّا الْأُخْرَى فَيَطُولُ أَمْدُهَا». و این دومی طولانی می‌شه مدتتش؛ زمانش طولانی می‌شه.

بعد می‌فرمایند: «پس از تأمل در مجموع روایات وارده در این باب، آنچه را که گفتیم بسیار واضح و آشکار است». بعد می‌فرمایند که اون روایتی که آورده شده نسبت به حضرت امیر علیه‌السلام، شش سال و شش ماه و شش روز،

امام زین‌العابدین علیه‌السلام گفتن که این شش سال و شش ماه و شش روز، مال غیبت صغری هست؛ غیبت صغری هم می‌فرمایند اون شش روز، بحث ولادتش بوده؛ انتشار اون بین اصحاب نزدیک تا شش ماه طول کشید؛ و وقتی هم که آقا غائب شدن حدود شش سال طول کشید. توجیه که اینجا می‌فرمایند این هست. اما اینجا یک اشکالی می‌شه مطرح کرد که تو روایت حضرت امیر علیه‌السلام، نگفته شش سال و شش ماه و شش روز؛ گفته یا شش سال یا شش ماه یا شش روز؛ اون بداء به نظر من جاری هست.

این جا ان‌قلت شیخ مجتبی قزوینی به علامه‌ی مجلسی به نظر من مطرح نیست. به خاطر اینکه اون روایت دومی که امام زین‌العابدین علیه‌السلام گفتن شش سال و شش ماه و شش روز؛ حالا شما توجیه می‌کنید شش سال عمرشون بوده تا زمان شهادت امام حسن عسکری علیه‌السلام که بعد غائب شدن؛ شش ماه انتشار ولادتشون بوده؛ و حین ولادت هم که شش روز.

خب این بله! ولی می‌خوام بگم این روایت با اون روایت فرق می‌کنه. پس می‌شه بداء رو در همون روایت اولی مطرح کرد، گیری نداره!